

وظیفه به معنی کار و خدمتی است که شخصی آنرا در برابر حق دیگری انجام می دهد، و بر خود لازم می داند که آن را انجام دهد. حق که به جمع آن حقوق است معنای مختلف دارد، ولی وقتی که در برابر وظیفه قرار گرفت به معنی یک نوع حظ و نصیب است، مثلاً پدر بر گردن فرزند حق دارد، یعنی در قبال زحمتی که در مورد فرزندش انجام داده، حظ و نصیبی بر دوش او دارد، که فرزند باید آن را ادا کند، مطلب دیگر اینکه حق و وظیفه دو موضوع متلازم هستند، یعنی هر جا که وظیفه هستی، در مقابلش، حق نیز هست، چنانچه هر جا برای کسی حقی قرارداد شده، در مقابل، وظیفه یا وظایفی به عهده او خواهد بود.

پدر اگر بر گردن فرزند حق دارد، به خاطر وظایفی است که نسبت به فرزندش انجام داده است، و فرزند اگر نسبت به پدر وظیفه احترام به پدر را دارد در برابر حقی است که از ناحیه پدر بر گردن او ثابت است.

زن و شوهر، نسبت به همدیگر وظایفی دارند و بر همین اساس، نسبت به همدیگر حقوقی خواهند داشت، اگر هر دو به وظایف خود عمل کنند و هر دو به حقوق خود برسند، زندگی آنها بر اساس صحیح و عدالت، استوار است، و گرنه زندگی ناصحیح و خلاف عدالت خواهد بود، و علت اصلی فرد پاشی زندگی زناشویی، و طلاق و جدایی و پیامدهای شوم آن، بر اثر عدم هماهنگی و همطرازی حق و وظیفه است.

بنابراین باید هر کدام از زن و شوهر، وظیفه خود را نسبت به همدیگر بشناسند و حقوق خود را نیز بشناسند و هر دو این اصل را رعایت کنند، تا که خانواده به صورت یک کانون گرم و پر باز و استوار در آید بر همین اساس در فرازی از آیه ۲۲۸ دوره بقره می خوانیم: «و لهن شل مثل الذی علیهن بالمعروف» «و برای زنان همانند (و همطراز) وظایفی که بر دوش آنها است، حقوق شایسته ای، قرار داده شده است.»

فواید رعایت حقوق

رعایت حقوق برای زن و شوهر و فرزندان این فواید را دارد که اولاً مرز مسئولیت ها را نسبت به یکدیگر معین می کند . طوری که هر یک از اعضاء در می یابند چه را و روش و چه مشی مشخصی را باید در پیش گیرند تا مورد توجه و عمل کرده به وظایف و تعهد باشند . بر اثر آن نظم در خانواده برقرار می شود و آزادی ها مهار شده و تحت ضابطه اندیشه ای در می آید . دیگر کسی تن به بی بند و باری نمی دهد و هرج و مرج در محیط خانواده نخواهد بود . حیثیت هر کس در چارچوب آنچه که برایش مطرح است شناخته شده و روی آن حساب خواهد شد . رعایت حقوق در خانواده سبب پیدایش امنیت در آن می شود ، حدود توقعات اعضای خانواده از یکدیگر معلوم می گرد . طرز رفتارها خصوص و در چارچوب ضابطه ها علنی می گردد . زن و شوهر می توانند برای کار و زندگی خود برنامه ریزی کنند و در وضع حال و کار آینده را پیش بینی نمایند . بالاخره رعایت حقوق باعث ایجاد عدالت در خانواده شده و هر یک از اعضا بر اساس آن برای خود و دیگران مرزی قائل می شوند و سعی دارند از آن حد و مرز تجاوز نکنند و این مجموعه خود عامل و سبب ارشد خانواده و در سطحی کلی تر سبب رشد جامعه انسانی است .